

## بررسی تطبیقی و تحلیلی ایزدبانو (مادر خداها) در اساطیر ایران و یونان باستان

محمدتقی فاضلی

dr.fazeli@yahoo.com

استادیار گروه باستان شناسی و تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷)

### چکیده

اساطیر در دوران باستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند. زیرا اسطوره، به دین و فرهنگ و ادبیات ملی هر قومی هویت می‌بخشد. ایزد بانو و الهه‌ها در باورها و اعتقادات مردم باستان اهمیت والایی داشتند. بیشتر این خدایان و ایزدان زن بودند و به آن‌ها ایزد بانو یا مادر خدا می‌گفتند. اعتقاد به قدرت باروری و تنازع بقا زنان، در نمادها و افسانه‌ها تجلی یافته است. اما در دوره‌های بعد مقام زن از مادر خدایی به همسر خدایی و مقامی بعد از ایزد مذکر قرار می‌گیرد و کم‌کم از صحنه‌های اجتماعی به درون خانه‌ها کشیده می‌شود. در این مقاله تلاش بر این است بر اساس منابع اوستایی و پهلوی و منابع فارسی و عربی و لاتین باروش تاریخی، تطبیق و تحلیل ایزدبانوها بخصوص در فرهنگ اسطوره‌ی ایران و یونان مورد بررسی قرار بگیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زن در فرهنگ اساطیری مردم کشورهای ایران و یونان مقام و منزلت والایی داشته است و به عنوان «مادر خدا» در بین مردم پرستش می‌شد و بر این باور، معابد و پرستشگاه‌هایی را به خود اختصاص داد.

واژگان کلیدی: اسطوره، ایران، یونان، مادر خدا، تطبیق

## مقدمه

اساطیر myths را از فلسفه و ادیان باستان نمی‌توان جدا نمود، زیرا اسطوره به دین و فلسفه و ادبیات جذابیت و اصلیت و اهمیت لازم برای پیشرفت و شکوفا شدن را بخشیده و آن را غنی می‌سازد و به مقدسات جنبه بیم و امید می‌دهد. در این میان اساطیر یونان و روم برای ما ایرانیان از سایر ملل جالب‌تر و جذاب‌تر بوده است، زیرا ما ایرانیان خود دارای اساطیری با ارزش و حماسه‌هایی معروف هستیم که به نوبه خود از نظر اهمیت معنوی نه تنها قابل مقایسه با اساطیر یونانی و رومی، بلکه در مواردی بر آنان از نظر عمق تفکر و توجه به معنویت، اولویت و برتری دارد؛ زیرا اساطیر کهن ایرانی تاثیر غیر قابل انکاری بر توسعه اندیشه‌های ملی و فلسفی و عرفانی و معتقدات مذهبی و حیات سیاسی و اجتماعی ملت ایران داشته است به همان گونه که هر یونانی روشن فکری به تاریخ اسطوره ملت خود و «نقش خدایان» در اندیشه قوم «هلن» دل بسته و با خبر است. بنابراین اسطوره نه به معنای داستانی واقعی، بلکه با ابعادی غیر واقعی و فوق بشری و نه به معنای کوششی ابتدایی برای تبیین جهان آفرینش، بلکه به معنای تجلی گاه اندیشه بشر و نوع شناخت وی از جهان، در دوره‌ای خاص از تاریخ اندیشه او را به مثابه ارباب عظیم، ارجمند و گرانبگری است که نه تنها شیوه تفکر و تعمق زرین بشر را نسبت به جهان به دنبال خود می‌کشد، بلکه حامل شیوه زندگی مادی و زمینی

او نیز می‌باشد. در این پژوهش از زاویه‌ای به شناخت اساطیر در دوران باستان ایران و یونان و نقش ایزدان مونث یا همان مادر خداها در این دو کشور کهن و غنی از فرهنگ اساطیری و رابطه‌های فرهنگی و مذهبی که بین آن‌ها وجود داشته است می‌پردازیم.

## بیان مساله

ایزد بانوان و الهه‌ها در باورها و اعتقادات مردمان دوران باستان، دارای جایگاه ویژه‌ای بودند. اعتقاد به قدرت باروری و تنازع در نمادها و افسانه‌هایی از آن روزگاریها، تجلی یافته است و تا به امروز نیز به یادگار مانده است. پرستش و نکوداشت ایزد بانو یا زن خدا (مادر سالار) به دوران مادر شاهی بر می‌گردد،

در میان ایرانیان، مهم‌ترین ایزد بانو ملقب به «آناهیتا- آناهید- اناهیت» بود که نام کامل او در اوستا «اردوی سور آناهیتا» «Aradīvsur. Anāhita-» بود که در اعتقادات ایرانیان باستان این ایزدبانو، نگهبان آب و آسمان و ابر و باران، شب، سردی، باروری، برکت و نماد عشق و دوستی می‌باشد. این ایزد بانو با صفاتی نیرومند و خردمند به صورت الهه عشق و باروری در می‌آید، زیرا چشمه آب حیات از او می‌جوشد و بدین گونه «مادرخدا» می‌شود. در اساطیر یونان، آفرودیت، الهه عشق، فرزند «کاپی» یا «اروس» گل سرسبد خدایان می‌باشد. وی همیشه به صورت زنی جوان و زیبا و با قیافه‌ای غالباً هوس‌انگیز

نشان داده می‌شود. عالی‌ترین مجسمه‌های دوران کهن، مجسمه‌هایی است که برای این الهه ساخته شده است و عالی‌ترین اشعار قدیم یونان و روم به وصف این الهه اختصاص دارد. اندام او مظهر کامل تناسب اندام از نقطه نظر یونانیان باعث تغییر مفهوم زیبایی در میان رومیان گردید. آن چه که درباره حضور زنان در میان خدایان اساطیری به عنوان ایزدبانو مهم می‌باشد، شاخص بودن آن‌ها به نشانه خدایی و قدیسه بودن آن‌هاست.

### اسطوره شناسی

اسطوره واکنشی از ناتوانی انسان است در مقابله با درماندگی‌ها و ضعف او در بر آوردن آرزوها و ترس او از حوادث غیر مترقبه. اسطوره تجسم احساسات آدمیان است به گونه‌ای ناخودآگاه برای تقلیل گرفتاری‌ها یا اعتراض به اموری که برای ایشان نامطلوب و غیرعادلانه است و چون آن را تکرار می‌کنند آرامشی به آن‌ها دست می‌دهد. تکرار این داستان‌ها که در قالب نوعی آیین دینی برگزار می‌شود به آن‌ها حقانیت و واقعیت می‌بخشد. اساطیر نشان دهنده فرهنگ و نحوه تفکر مردمان در دوران کهن است. زبان گویای تاریخ است از دوران‌های پیش تاریخ، سخنگوی بازمانده‌های گران‌بهایی است که از دل سنگ‌ها و کوه‌ها یافت می‌گردد. اسطوره نماینده تداوم زندگی فرهنگی یک ملت و به نوعی تاریخ آن است (آموزگار ۱۳۷۴: ۱۷-۱۶، ۳-۱).

### اساطیر در ایران باستان

خدایان غالباً با تصویر پردازی‌های «imagery» اساطیری توصیف شده‌اند، اما نسبتاً اسطوره‌های کمی درباره آن‌ها روایت شده است. این خدایان با اصطلاحات خاص توصیف انسان «Anthropomorphic» وصف شده‌اند مانند خدایان گردونه ران که در گردونه‌های زیبایی که آن‌ها را اسبان بی‌مرگ می‌کشند. به پیش می‌تازند، اما چون به این «انسان ماندگی Anthropomorphism» خدایان دقت کنیم، می‌بینیم که این خصوصیت از میان می‌رود. به عنوان مثال آمده است که خدای بزرگ میثره (=مهر) Mithra، هزار چشم دارد؛ این نکته نماد بارزی است بیانگر این عقیده که هیچ کس نمی‌تواند خطای خود را از این خدا بپوشاند و از عواقبش بگریزد. (همان ۱۶-۱۷).

### اساطیر در یونان باستان

شخصیت‌های اصلی، الهه‌ها و خدایان هستند، اما در اغلب اسطوره‌های یونانی پهلوانان مرد و زن نقش مهمتری ایفا می‌کنند. یونانیان دوران تاریخی دوست داشتند چنین بیندیشند که دوران پهلوانان مقدم بر عصر خود آن‌ها بوده است. همان طور که «هزیود» شاعر در اواخر قرن هشتم ق.م. توضیح داده است، «زئوس» پادشاه خدایان، پنج نژاد متوالی انسان‌ها را خلق کرده است. «نژاد طلا» نخستین نژادی بود که بر زمین سکونت داشت، این مردمان خوشبخت، زندگی فارغ‌البالی مانند خدایان داشتند و زمین به خواست خودش برای آن‌ها غذا فراهم می‌آورد. آن‌ها جای خود را به «نژاد

جهان معنوی نمود محبت و بردباری و تواضع اهوره مزدا است و در جهان مادی فرشته‌ای است موکل زمین. آرمیتی همواره زمین را خرم و آباد و بارور می‌دارد و هر آن کس به کشت پردازد و زمینی آباد کند خشنودی او را فراهم می‌سازد. خشنودی و آسایش بر زمین در کف اوست و چون زمین این امشاسپند شکبیا و بردبار و به ویژه نمود وفا و اطاعت و صلح و سازش و ایزد آبان، ایزد دین و ایزد آرد او را در این راه یاری می‌کند. آخرین ماه سال و پنجمین روز ماه به سپندارمذ اختصاص دارد. سپندارمذ دختر اهوره مزدا و در جانب چپ او نشیند و از او آن جا که ناظر زمین است می‌گویند بخشنده. ویژگی مهم او بدان سان که از نام وی بر می‌آید درست اندیشی یا فداکاری و اخلاص و نمود فرمانبرداری، هماهنگی و نیایش است تصویر ۱ (هنیلز ۱۳۷۳: ۱۳۵).

### ایزد بانو اردویسور اناهیتا - Arədvī Sura.

#### anāhitā

«اردوی» Arədvī به معنی نیرومند و پاکیزه است. «اردوی» نام رودی است، اساطیری که خود ظاهراً به معنای پربرکت و حاصلخیز است. در واقع اردویسور اناهید، الهه و مظهر آب‌هاست که پیوسته در نزد ایرانیان مقدس بوده است. در یسن ۶۵ و یشت ۵ اوستا درباره او و آب‌ها سخن به میان آمده است و او بنا به این «یسن و یشت» در امر زادن مردمان موثر است. (بند ۲) اردویسور اناهید در راس ایزد بانوان و دسپتار «سپند آرمیتی» (سپندارمذ) قرار دارد. این ایزدانو، ایزد بانوی

نقره» دادند که از لحاظ جسمی و ذهنی مردمی ضعیف بودند و بعد «نژاد برنز» جای آن‌ها را گرفتند. آن‌ها اصولاً برای جنگ می‌زیستند؛ آن‌ها جنگجویانی بزرگ و خوفناک بودند، تا جایی که خود را نیز کاملاً از بین بردند. اسطوره‌های یونانی الهام بخش آثار هنری و شعری و حماسه‌های شکوهمند بودند، از نقاشی‌های اسطوره‌ای که در دیوارهای معابد و بناهای مهم آتن بر جای مانده می‌توانیم به عظمت دوران کهن اسطوره‌های یونان پی برد و اساطیر آن زمان را بشناسیم (دولندلن ۱۳۴۷: ۷۶).

### ایزد بانوان اوستایی و نقش مهم آن‌ها در اوستا و زندگی مردم (سپنته آرمیتی): (امشاسپند)

spanta- ārmaiti اسپندارمذ، اسفندارمذ، سپندارمذ، سپنته آرمیتی، به معنی اخلاص و بردباری مقدس است. سپندارمذ با نمادی زنانه، دختر اورمزد به شمار می‌آید و در انجمن آسمانی در دست چپ او می‌نشیند، چون ایزدبانوی زمین است. چارپایان چراگاه می‌بخشد، زمانی که پارسایان در روی زمین، که نماد این جهانی اوست، به کشت و کار و پرورش چارپایان می‌پردازد یا هنگامی که فرزند پارسایی زاده می‌شود او شادمان می‌گردد و وقتی مردان و زنان بد و دزدان بر روی زمین راه می‌روند، آزرده می‌شود. همان‌گونه که زمین همه بارها را تحمل می‌کند. او نیز مظهري از تحمل و بردباری است (آموزگار ۱۳۷۴: ۱۶-۱۷)، سپندارمذ در

آب‌های روی زمین و سر چشمه اقیانوس کیهانی است. او بر گردونه‌ای سوار است که چهار اسب آن را می‌کشند. باد، باران، ابر و تگرگ. وی سرچشمه زندگی، پاک‌کننده تخمه‌نرها و زهدان ماده‌ها و تصفیه‌کننده شیر پستان مادران است. به دلیل ارتباطی که با زندگی دارد، جنگجویان در نبرد، زنده ماندن و پیروزی را از او طلب می‌کنند. این ایزدبانو با صفت‌های نیرومند، زیبا و خردمند به عنوان الهه عشق و باروری مورد توجه قرار می‌گیرد. اناهیتا در عین حال هم ایزد بانوی رام و آرام باروری است و هم در اندازنده کین‌جویی جنگ، هم زندگی بخش است و هم زندگی ستان، همه زندگانی در سراسر گیتی با اناهیتا آغاز می‌شود و با او پایان می‌پذیرد، زیرا او ایزد بانوی آب است و روان پدید آورنده «دریای و روکشه-*vurukaša* تصویر ۲ (هنیلز ۱۳۷۳: ۱۳۵-۱۳۶).

#### ایزدبانو آرت، آرد یا آشه-اشی - *Aša*

آرت یا آرد در اوستا آشی و نگوهی-*ašavanuhi* نامیده شده است. کلمه اخیر صفت است یعنی نیک و خوب از همین ماده است. آرد که نامش در اوستا- *aši* آمده زن ایزد «بخت و خواسته» در آیین ایران باستان است. آرت واژه‌ای پهلوی به معنی «نیک» و نام ایزدی است که خواستگاه شادمانی و آسایش است. در اوستا آرت یشت بدین ایزد اختصاص دارد و وی را دختر اهورا مزدا می‌دانند و روز بیست و پنجم هر ماه بدو تعلق دارد و در این روز جامه نو پوشیدن و سفر را نیکو

می‌دانند. آرد به هر خانواده‌ایی که به هیات دختری زیبا پدیدار شود بر آن خانواده برکت و شادمانی می‌آورد. نام او در سروده‌های گاهانی چندین بار آمده و همچنان که «گایگر» اشاره کرده با امشاسپندان رابطه نزدیک دارد. در اوستا، چه در گات‌ها و چه در قسمت‌های دیگر آن، آرت (اشی) گاهی اسم مجرد است به معنی توانگری و بخشایش و برکت و نعمت و مزد و پاداش و بهره و گاهی اسم خاص ایزدی است که نگهبانی ثروت و دارایی بر عهده اوست. گذشته از امشاسپندان (وهومن، اردیبهشت، شهریور، سپندامذ، خرداد و امرداد) و آذر و سروش و آرت دیگر به اسم هیچ‌ی از فرشتگان و ایزدان مزدیسنا در گات‌ها بر نمی‌خوریم. آرت مثل سفندارمذ و ناهید و چیستا (فرشته علم) مونث تصور شده. به هیات زنی رخشان، نیرومند و خوش‌اندام با شکوه و آزاده توصیف شده. آرد از باشنده‌گان مینوی است که در تولد زرتشت حضور داشته است. اشی، از معدود ایزد بانوانی است که درگاهان از او یاد شده است. درگاهان بیشتر جنبه مجرد دارد و نه تنها پاداش‌کردار نیک پارسیان با ایزد آشی است. در این جهان مادی ثروت و نعمت و جلال و خوشی دینداران از پرتو اوست و در جهان معنوی و در روز واپسین پاداش اعمال نیک و سزاوار کردار زشت بدستکاری او بخشیده خواهد شد. (هنیلز ۱۳۷۳: ۱۳۷).

#### ایزد بانو پاردی - *Pārāndi*

اوستا به فرزانی ترجمه شده است. در هرمزد یشت، فقرات ۷ و ۲۶ و غیر هم به اسم خصوص آمده است و هم ایزد دانش است. چیستا در اوست سفید و سفید پوش بودن «آتربانان» و موبدان یعنی علماء دین مزدیسنا منتقل می‌سازد که از زمان قدیم تا امروز سفیدپوش بوده و هست‌ند. نظر به معنی کلمه چیستی این ایزد، مناسبت نامی با (دئنا) یعنی ایزد دین مزدیسنا دارد و به همین مناسبت است که یشت شانزدهم با این که در تعریف چیستی است، «دین یشت» نامیده شده است. بسا این دو ایزد با هم نامیده شده‌اند، از جمله در فقره ۲۴ دو سی روزه کوچک و بزرگ آمده است: «چیستای راست‌ترین مزدا آفریده مقدس را ما می‌ستاییم، دین نیک مزدیسنا را ما می‌ستاییم» (پورداود، 1307: 151-158).

#### ایزد بانو اشتاد، ارشتات - Arštāt

معمولاً در فارسی اشتاد گفته می‌شود. ارشتات یعنی راستی و درستی، «آرش» که به معنی راست می‌باشد در سر یک دسته از کلمات مرکب اوستا دیده می‌شود. از بند هش، ج ۲، ص ۶۱۱، نقل شده است «در هنگامی که روان‌های مردگان از برای حساب کردار نیک و زشت خود بر پل چینوت činvat آیند، آن گاه اشتاد معاون امرداد که موکل گیاهان و بی‌مرگی است به همراهی رشن و زامیاد فرا رسند». اشتات غالباً با «رشن» که ایزد دادگری است یک جا نامیده شده و ارتباط مخصوصی با او دارد و از یاران یا همکاران او

در پهلوی پارانند گویند. از یاران و همراهان ایزد بانو «ارت، اشی» شمرده شده، چه این دو ایزد غالباً با هم نامیده شده و وظیفه آنان نزدیک به همدیگر است. پارانند نیز مانند آرت، مونث است، گاهی اسم مجرد است. به معنی «فیض و فراوانی و نعمت» آمده است. چنان که در یسنا ۳۸ (هفت‌ها)، فقره ۲ و آفرینگان گهنبار، فقره ۴ و گاهی اسم خاص ایزدی است که نگهداری گنج و ثروت با اوست. در ویسپرد کرده، فقره ۲ آمده است: «پارانند چیست را می‌ستاییم کسی که چیست است در میان چیست اندیشان، چیست در میان چیست کرداران او بدن‌ها را چیست و چالاک گرداند» (همان صص ۱۸۲-۱۸۳). پارانندی، نام زن ایزد «پری و فراوانی» در اوستا است. که او در کنار بغانی مانند «دین، دئنا فر Xwarnah و چیستی - čisti» یاد شده و زن اهورا مزدا به شمار آمده است. همان او در آیین ودایی Puramdhi است که نامش چندین بار در ریگ ودا آمده است. (بنونیست: 160: 1360).

#### ایزد بانو چیستا - chistā

چیستی، به معنی دانش و معرفت است و همچنین معانی دیگری که اندیشه و آگاهی و آیین و دستور دینی باشد از آن بر می‌آید. سومین دختر زرتشت بوده که به همسری «جاماسب» وزیر «کی گشتاسب» چنان که در گات‌ها، یسنا ۵۳، قطعه ۱۳ اسم می‌برد؛ در آمده بود. پئور و چیستا یعنی پُردان و بسیار فرزانه، چیستی و چیستا در تفسیر پهلوی

شمرده می‌شود؛ زیرا که راستی و درستی لازمه دادگری است. تصویر ۳ (همان ۲۰۱-۲۰۳).

کیهانی را شرح دهد ( ژیران ۱۳۷۵: ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۵، ۱۴، ۱۳).

### ایزد بانو - فرشته زامیاد Zāmyād

یشت نوزدهم به عنوان زامیاد یشت نامیده می‌شود. زامیاد یعنی زم یزد یا به عبارت دیگر فرشته زمین است. زمین در اوستا «زَم» آمده است، در پهلوی «زمیک» و در فارسی «زمی» نیز گفته می‌شود. زمین مانند آسمان (Asmān) در مزدیسنا مقدس است هر دو در اوستا یکی نامیده شده‌اند چنان که در تشریح یشت فقره ۸ و مهر یشت فقره ۹۵ و فروردین یشت فقره ۱۳ و... بسا از زمین و آسمان ایزدانی اراده شده که به نگهبانی سپهر و خاک گماشته شده‌اند و نیز روزهای بیست و هفتم و هشتم ماه موسوم به اسم این دو ایزد آسمان و زمین است تصویر ۴ (همان)

### ایزد بانو گایا gaya/Gaia

بر اساس اصل تکوین عالم که هزیود نقل کرده است، گایا تشخیص زمین در حال شکل‌گیری است. او بلافاصله پس از «کائو» از نیستی سر بر می‌آورد و پسری به نام اورانوس را می‌زاید. هزیود آورده است که در آغاز تنها کائوس (آشفنگی نخستین)، تاریکی بیکران بود. آن گاه گایان زمین ژرف سینه و سرانجام، اروس «عشقی که دل‌ها را نرم می‌کند» به پیدایی آمد که بعدها تاثیر شایانی بر ساختار موجودات و اشیاء نهاده اربوس و شب از «آشفنگی نخستین» زاده شدند و با در آمیختن با یکدیگر، به نوبه خویش اتر (اثیر) و همِر (روز) را پدید آوردند. گایا نیز به سهم خویش نخست اورانوس را زاید که همانند آسمان بود و ستارگان چون تاج بر سرش می‌درخشید «و شکوهش را همتای شکوه خویش کرد، تا آن که تماماً او را بپوشاند» تصویر ۱ (ژیران 1375: ۱۶۴، ۱۶۳).

### ایزدبانوان یونان

داستان ایزدان یونانی هم زمان با دوره هومر شکل گرفت. بسیاری از این ایزدان به طور کلی در «ایلیاد و اُدیسه» مورد بحث قرار می‌گیرند. هم از نظر سیما و پیکرشان و هم به لحاظ مناسبات سنتی و افسانه‌هایی که در عصر خودشان به آنان نسبت می‌دادند. تنها در روزگاران پسین بود که یونانیان احساس کردند که به تهیه شجره‌نامه ایزدان خویش نیاز دارند. منظومه هزیود که در اسطوره‌هاست در بازگویی سرچشمه ایزدان، مهم‌ترین رویدادهای زندگی‌شان را یادآور شده و روابط آنها را مشخص می‌کند. او همچنین می‌خواهد ساختار

### ایزد بانو رئا Rhe'a

رئا دختر گایا و اورانوس، از تیتانیدهاست. هرا، دمتر، هستیا، هادس، پوزئیدون و زئوس فرزندان او هستند. کرونوسی همسر او تمام فرزندان را که می‌زاد می‌بلعید، زیرا آگاه شده بود که به دست یکی از آنها از اریکه قدرت به زیر کشیده خواهد شد. هنگامی که رئا زئوس را باردار بود برای زاییدن او به جزیره کرت پناه برد و در آن جا

او الهه عشق و زیبایی بود و کسی که همه را فریب داد. هم خدایان و هم آدمیان را. او دوستدار خندیدن بود؛ هم زیبا می‌خندید و هم کسانی را که مغلوب حيله‌های او شده بودند به مضحکه می‌گرفت. او الهه‌ای بود که هیچ کس نمی‌توانست در برابرش ایستادگی کند و حتی عقل دانایان را می‌زدید و هوش از سرشان می‌ربود. (همیلتون ۱۳۷۶) آفرودیت ایزد بانوی عشق، زیبایی، رویش و باروری در یونان باستان بود. او طبیعتاً ایزد بانوی محبوبی بود و کیش او تقریباً در سراسر جهان یونان گسترش یافت. رومی‌ها او را با ایزد بانوی محبوب خود «ونوس» یکی می‌پنداشتند و پرستشگاه‌های مشهوری برای او در کورینت Corinth، جزیره سی‌ترا Cytera، پافوس Paphos و آماتوس Amathus در قبرس و در اریکس Eryx واقع در غرب سیسیل ساخته بودند تصویر ۵ (وارنر ۱۳۸۶: 291-290).

### ایزد بانو دمتر Déméter

دمتر دختر کرونوس و رئا و پیش از هر چیز ایزد بانوی گندم و ضامن رویش ان است. به همین علت، در آن بخش از سرزمین‌های یونان باستان که اقتصادشان به طو عمده بر کشت گندم استوار بود، افسانه‌های دمتر رواج داشت. دمتر ایزد بانوی ذرت، کشاورزی و باروری در یونان باستان بود. بخش دوم نام او، «meter» در یونانی به معنی «مادر» بود، «De» (یا Da) در اعصار باستان تصور می‌شد که واژه‌ای به معنی زمین است. یونانیان ر

ژئوس را زاد او قطعه سنگی را در قنناق پیچید و به عنوان نوزاد به کرونوس داد تا آن را بلعد. کرونوس از همسرش فریب خورد و تکه سنگ را بلعد. بدین ترتیب رئا ایزد ایزدان «ژئوس» را به دنیا آورد بود تصویر ۲ (ژیران ۱۶۵: 1375).

### ایزد بانو هرا Hera

یونانی ایونایی: هره؛ لاتینی: یونو، زوجه ژئوس؛ ملکه آسمان؛ خواهر بزرگ‌تر ژئوس، فرزند کرونوس و رئا. نام هرا شاید به معنای «بانو» بود، شبیه هروس که شکل مذکر همین لفظ به معنی «پهلوان» یا «جنگاور» بود. پرنده هرا طاووس بود که نشانه غرور و خودنمایی، ازدواج بی‌آلایش و زندگی زنانه به شمار می‌رفت. درباره تولد و ازدواج هرا روایت‌های متعدد و متفاوتی وجود دارد تصویر ۳ (همان ۴۵۵).

### آرتمیس (دیانا) Artemis

آرتمیس دختر ژئوس (Zeus) و لتو (Leto) است و رومی‌ها او را (دیانا) نامیده‌اند. او با برادر دو قلوی خود آپولون در یک روز در جزیره دلوس زاده شد. او را به خاطر زادگاهش، کوه سیتتوس در دلوس، «سیتتیا» هم خوانده‌اند. این الهه یکی از سه الهه باکره کوه اولمپ بود تصویر ۴ (اشمیت 12-13: 1383).

### ایزد بانو آفرودیت Aphrodite



و نوزدان را پیش از ورود به میان خانواده دور اجاق (آتش خانوادگی) طواف می‌دادند تصویر ۸ (همیلتون، 1376: 63-62).

### ایزد بانو ایریس Iris

رب‌النوع رنگین کمان بود، یعنی پل بین آسمان و زمین و پل بین ایزدان و مردم است و رابطه یا پیام رسان خدایان. در داستان ایلید او را فقط پیام رسان و امر بر خدایان دانسته‌اند. در داستان اودیسه «هرمس» نخستین کسی است که این وظیفه را بر عهده گرفته است و همیشه در نقش ایلچی خدایان پدیدار می‌شود تصویر ۹ (همان، ۴۵).

### ایزد بانو آستره Astree

آستره دختر زئوس و تمیس زنی نیک نهاد و پاکدامن بود که در دوران خویش عصر زرین در میان مردم می‌زیست. هنگامی که مردم به زشتی گراییدند، او و خواهرش «شرم» جهان فناپذیران را ترک کردند و با نام «ویرگو» در آسمان‌ها، در میان ستارگان جای گرفتند تصویر ۱۰ (اشمیت 1383: 21).

### ایزد بانو آستریا Asteria

آستریا دختر کوئه اوس، یکی از تیتان‌ها و فوبه، همسر پرسس و مادر هکات بود و برای فرار از عشق سرکش زئوس خود را نخست به شکل بلدلرچین در آورد و سپس به دریا افکند و به جزیره‌ای به نام «اوتیژی در یونان ortux» به معنی بلدلرچین است» بدل شد. هنگامی که خواهر «اتو»

اعصار تاریخی ایزد بانوی مستقلی برای زمین (Ge) داشتند و دمر بعدها در تبارشناسی ایزدان، دختر بزرگ «گی (زمین) و خواهر زئوس» تلقی می‌شد. اما در اصل، او بی شک ایزد بانوی زمین و نگهدار همه محصولات و گیاهان است، از این رو حامی و نگهدار زندگی حیوانات و آدمیان است تصویر ۶ (همیلتون 1376: 45-44).

### ایزد بانو پرسفون، پرسفونه Perséphoné

این ایزد بانو، ایزد بانوی جهان زیرین است. نام همسر «هادس» به چند گونه آمده است: پرسفونه، پرسفونیا، پرسفون، پرسفاسا و پرسفاتا. کشف ریشه شناسی همه این گونه‌های اسمی دشوار است. چنین می‌پندارند که بخش دوم نام «پرسفونه» از واژه‌ای به معنای «نشان دادن» و بیانگر آرمان نور است. تصمیم‌گیری درباره معنی بخش نخست نام «پرسفونه» نیز دشوار می‌نماید؛ یا از واژه‌ای به معنای «نابود کردن» که در این صورت «پرسفونه» به معنی، او که نور را نابود می‌کند، است تصویر ۷ (ژیران 1375: 163-164).

### ایزد بانو هستیا Hestiyā یا وستا Vestā

هستیا دختر کروئوس و رئا، به نسل ایزدن بزرگ دوازده‌گانه اولمپ تعلق دارد. این الهه خواهر زئوس است و مثل آتنا و آرتیمیس باکره بود. البته این الهه شخصیت مهم و شاخصی نیست و در اساطیر نقش یا سهم به‌سزایی ندارد. او الهه یا رب‌النوع اجاق بود که منظور خانه و خانواده است

**ایزد بانو هیژی Hygie**

هیژی دختر آسکلپیوس ایزد پزشکی و از نوادگان آپولون بود. این ایزدبانو نه تنها بیماری انسان، بلکه جانوران را هم درمان می‌کرد. او به هر بیمار پرهیز خوراکی و داروی مناسب را می‌داد. هیژی نیز مانند بیشتر ایزدان و ایزد بانوان پشتیبان دارای نشانه‌های مربوط به جهان زیرین است. در آثار هنری، ماری در دست او دیده می‌شود که گویاترین نماد جهان مردگان است تصویر ۱۴ (همان ۳۹۰).

**ایزد بانو سیرسه Sirésé**

در اُدیسه، از جادوگری با موهای صاف و براق به نام «سیرسه» در قالب یک الهه سخن رفته است. هر چند شهرت او در همه قصه‌های اساطیری بیشتر به خاطر شخصیت جادوگری اوست. او دختر «هلیوس Helios»، ایزد خورشید و خواهر «آیتس Aetes» جادوگر ایزدی و شهریار «گُلخیس Colchis» بود. «مدیا Medea» جادوگر معروف دیگر، خواهرزاده او بود تصویر ۲۵ (وارنر 1386: 290-291).

**ایزد بانو ائوس Éos**

در اساطیر یونان، ائوس، تجشم ایزدی سپیده دم و از نخستین نسل ایزدان است. او دختر تئیا و هیپریون و خواهر «هلیوس» و «سلنه» است. ائوس در پایان هر شب، سوار بر ارابه‌ای از نور که اسبان زرین آن را می‌کشند، در افق نمایان می‌شود تا

به این جزیره آمد تا آپولون و آرتمیس را بزاید، نام جزیره به دلوس تغییر یافت تصویر ۱۱ (همان ۲۱).

**ایزد بانو ایلیتی Ilihye**

ایلیتی ایزد بانوی زایمان و خواهر هبه، آرس و هفائیسوس است. مادرش هرا او را برای یاری به بالین زنان باردار می‌فرستاد. در ایلیاد (هومر)، ایلیتی‌های زیادی وجود دارند که تجسم مراحل مختلف درد زایمانند. ایلیتی را به شکل دختر جوانی نشان می‌دهند که یک دست خود را بالا نگه داشته و در دست دیگر مشعلی فروزان دارد. این مشعل نشان زندگی است که در روشنایی زاده می‌شود تصویر ۱۲ (همان ۱۱۲).

**ایزد بانو تئیس Tethys**

تئیس دختر اورانوس و گایا، در میان ایزدان نخستین یونان جایگاه ویژه‌ای دارد. نام او به معنای «دایه» است. او نماد باروری آبهاست. تئیس با «اوسئان» در آمیخت و اوسئانها و شمار بسیاری چشمه‌زاد که رطوبت لازم و سودمند برای طبیعت را فراهم می‌آورند تصویر ۲۶ (همان ۱۷۵).

**ایزد بانو تئیا Theia**

تئیا یکی از نخستین ایزد بانوان، دختر اورانوس و گایاست. او با هیپریون در آمیخت و سه فرزند روشنایی، یعنی: هلیوس (خورشید)، ائوس (سپیده دم) و سلنه (ماه) را زایید تصویر ۱۳ (همان ۱۶۹).

فوبوس فرزند ایزد بانو آفرودیت تجسم ترس است. فوبوس همراه پدرش «مارس» در میدان جنگ حاضر می‌رود و در دل دشمنان هراس بر می‌انگیزد و آن‌ها را به فرار ترغیب می‌کند. فوبوس برادری به نام «دئیموس» به معنای (وحشت) دارد. تصویر ۱۹ (همان ۲۷۷).

### ایزد بانو اورینومه Eurynome

اورینومه یکی از نخستین ایزد بانوان و ثمره پیوند اوسئان و تیتیس است. او با یکی از تیتان‌ها به نام «اوفیون» در آمیخت و پیش از پیدایش ایزدان، با او بر اولمپ فرمانروایی کرد. ایشان کوشیدند غاصبان را بیرون برانند و به دریا بیندازند. تصویر ۲۰ (همان ۹۲).

### ایزد بانوان تمثیلی

#### ایزد بانو اریس Eris

اریس که به ایزد بانوی تمثیلی رومی «نفاق» شباهت دارد، خواهر دوقلوی «آرس» است. می‌گویند پس از آن که ایزدبانو «هرا»، گلی را لمس می‌کند او باردار می‌شود. اریس، ایزد جنگ را در میدان‌های نبرد همراهی می‌کرد و نفرت را در بین جنگجویان دامن می‌زد. نقش او در برانگیختن جنگ تروا در خور توجه است. او بود که سیب زرین به نام را که پاریس می‌بایست به زیباترین ایزد بانوان هدیه کند، عرضه کرد. اریس لشکری از فرزندان خبیث و انتزاعی مانند گرسنگی، درد، فراموشی و بسیاری دیگر را زاییدند: تصویر ۹ (همان ۶۳).

بازگشت خورشید را آگاهی دهد تصویر ۱۵ (اشمیت 21-23:1383).

### ایزد بانو دوریس Doris

دوریس دختر اوسئان بود و مانند ایزدان و ایزد بانوانی که در آب زندگی می‌کردند از توان پیشگویی برخوردار بود. دوریس شهرت خود را مدیون فرزندانش است. «نره همسر او بود و فرزندان آن‌ها را نرئیدها می‌نامند». یکی از دختران به نام تیتیس (مادر آشیل)، بنام‌ترین پهلوانان جنگ ترواست. دختر دیگر «آمفتیریت» همسر پوزئیدون، ایزد دریاهاست تصویر ۱۶ (همان ۲۱۵).

### ایزد بانو دیونه Dione

دیونه یکی از بانوان آغاز جهان، دختر اوسئان و تیتیس یا کرونوس و گایا است. زئوس به دیونه علاقمند شد و از آمیزش آنان آفرودیت زاده شد. همچنین می‌گویند دیونه همسر تانتام و «نیوبه» و «پلوپس» فرزندان او هستند تصویر ۱۷ (همان ۲۲۱).

### ایزد بانو فوئیه Phoibe

فوئیه یکی از تیتانیدها، از ایزدبانوان نخستین به شمار می‌رود. او دختر اورانوس و گایاست. او با «کوئوس» در آمیخت و «لتو و آستریا» را زاد. بنابراین فوئیه مادر برزرگ آپولوم به شمار می‌رود. تصویر ۱۸ (همان ۲۷۷).

### ایزد بانو فوبوس Phobos

تمثیلی، به آزادی در کاخ او در رفت و آمد بودند و آگاهی‌های گران‌بهایی درباره مردم به رنومه می‌رساندند تصویر ۲۴ (همان ۲۲۷).

### چرا مقام مادرخدایان بعد از دوره‌ای پس از خدایان مذکر قرار می‌گیرند

در تاریخ فرهنگ ایران قدیم، در روندی ثابت و روشن، از دوران پیش از تاریخ، پیوسته زن در این سرزمین ارجمندی و اعتبار خویش را از دست داده. در سپیده دم تاریخ، هنوز مقام بلند و پایه والای زن چندان بود که در عهدنامه‌ای که در حدود سال ۲۲۲۳ پیش از میلاد مسیح، بسته شده و بر جای مانده است. بانو خدایی (پی‌نی‌کیر) با عنوان «فرمانروای آسمان» در میان ایزدان جایگاه نخستین و برتر دارد و همسرش (هومبان) عنوان «همسر بزرگ»؛ اما این مقام پس از آن روزگاران و پس از جامعه عتیق ایلام باستانی به تدریج چندان به پستی و خواری گراییده است که به جای بغ بانوان و الهگان آن دوران عتیق، که در رأس تثلیث خدایان جای داشته‌اند (مزداپور-85: 87:1383).

**رابطه بین فرهنگ ایرانی و یونانی در عهد باستان**  
آشنایی ما با باورهای ایرانی از راه اوستا است. بررسی‌های انتقادی پنجاه سال گذشته روشن کرده است که این نامه مجموعه‌ای است از متن‌های گوناگون که به دوره‌های متفاوتی تعلق دارد. تنها راه رسیدن به یک حقیقت قطعی تنها از طریق

### ایزد بانو امید *Esperance*

این ایزد بانوی تمثیلی که یونانیان آن را «الپیس» می‌نامیدند، در واقع روزی همسر «اپیمته» از سر کنجکاو یا بی‌احتیاطی در جعبه را گشوده بود. مردم باستان این ایزدبانو را با تشریفات و شکوه ویژه‌ای می‌پرستیدند. رومی‌ها که او را «اسپیس» می‌نامیدند، پرستشگاه‌های زیادی برایش برپا کردند و او را به صورت دختر جوان جذابی نشان دادند که با دستی گوشه دامنش را بالا گرفته و در دست دیگر غنچه‌ای نیم شکفته دارد تصویر ۲۲ (همان ۷۸).

### ایزد بانو فرزانیگی *Sagesse*

این ایزد بانوی تمثیلی، مدت درازی در ایزدبانو آتنا تجسم یافت. آتنا خود برای یونانیان نمایه خرد و صلح بود و آن‌ها را به ترتیب با جغد و زیتون نشان می‌دادند. تصویر ۲۳ (همان ۲۷۴).

### ایزد بانو رنومه *Renommeé*

رنومه نزد یونانیان و به ویژه آتنی‌ها، پیک زئوس بود. آنان پرستشگاهی برای او ساخته بودند. رنومه (به لاتین ناما) در ایام رومن‌ها، که با احترام و ترس او را پرستش می‌کردند، خصلت قطعی خود را باز یافت. رنومه ایزد بانویی است بالدار و غول‌آسا، دختر زمین، دارای چند دهان و چند چشم که به او امکان می‌داد از نهانی‌ترین اسرار فناپذیران پرده‌بر دارد و آن‌ها را در تمام جهان آشکار سازد. «اشتباه» و «شایعات» و بسیاری دیگر از ایزد بانوان

متن‌های کهن، بررسی هر یک از این متون به طور جداگانه و مقایسه آن‌ها با نوشته‌های ایرانی است، ولی تعدد این متون نباید بررسی ما را به راه‌های فرعی بکشاند. نویسندگان لاتین در مورد دوره‌های باستانی از مورخین یونانی پیروی می‌کنند و از این رو می‌توان از نوشته‌های آنان صرف‌نظر کرد. بنا به روایتی از «پلوتارخ» رسیده: «دین مغان که زرتشت آن را بنیاد نهاده است به همبودی و دشمن دوبین (هستی) در آغاز جهان و نیز برای زمانی دراز باور دارد. بن‌نیک یعنی اهورامزدا و بن‌بد یعنی اهریمن، از پیکار و ستیزه این دو بن، نیک بختی و پتیارگی متناوبی که جهان به خود می‌بیند به وجود می‌آید و هر چه که به خاطر هر کدام از این دو بن انجام می‌شود مانند پیروی از آیین آن‌ها و برگزاری نیایش‌ها و یزشنها بر نیروی آن یک افزوده و احتمال فروزیش را بدان دیگر افزون می‌کند». هرودوت در کتاب اول، بند ۱۳۱ در باور ستایش ایزدان ایران و یونان چنین آورده است: «زئوس (Zeus)، پزشن‌کننده همه گنبد آسمان را ایرانیان، زئوس نامند. آن‌ها برای خورشید، ماه، زمین، آتش و آب و بادهای یزشن برند. ایرانیان از دیرباز این بغان را ستوده‌اند، لیکن جز این ستایش اورانیا (Urania) را نیز از آسوریان و تازیان آموخته‌اند. آفرودیت (Aphrodita) را آسوریان «مای‌لیتا MyLitta»، تازیان «آلیتا Alita» و ایرانیان «مهر Mitra» خواندند (پوردادود 1377: 158-157).

### نتیجه‌گیری:

برپایه ی آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم که در دوران باستان ایزدان انوها به عنوان مادر خدا پرستش می‌شدند و مقام و منزلت والایی داشتند، زیرا زنان باعث تولید نسل و زایش بودند چنانکه برای ایزدان مؤنث نمادهایی چون: زمین، رویش و بارش تصور می‌کردند و معابدی داشتند که پرستشگاهشان برای این ایزد بانوان قربانی می‌کردند. اسطوره‌ها روایات تاریخی دروغین نیستند. اسطوره‌های آفرینش و اسطوره‌های بازسازی جهان در دین زرتشتی تنها روایات مربوط به گذشته یا آینده دور نیستند. اسطوره‌های یونانی در زندگی خصوصی و عمومی نفوذ کرده بودند. شخصیت‌های اصلی، الهه‌ها و خدایان هستند. اما در اغلب اسطوره‌های یونانی پهلوانان مرد و زن نقش مهم‌تری ایفا می‌کنند. یکی از نکات بسیار جالب اسطوره‌های ایرانی، همتایی و برابری تعداد ایزدان و امشاسپندان زن با ایزدان و امشاسپندان مرد است. اندیشه‌های شخصیت‌های اساطیری اغلب الگوی مذهبی و معتبر زندگی انسان‌ها است هر چند که آن خدایان و ایزدان و الهه‌ها و شخصیت‌های اساطیری و مینوی حیات و حرکاتی زمینی و مادی و انسانی دارند که باطبع بشر از زندگی خود گرفته و صورت عالی به آن‌ها داده است. در فرهنگ ایران باستان اساطیر به طرز دیگری مطرح هستند. اولین الهه ایران باستان (اناهیتا) یا (اناهید) سنبل باروری و آب و برکت که در مجسمه‌ها به شکل زنی است که در دستش

زایش و خانه‌داری می‌شود و صحنه را برای مرد و ایزد مرد خالی می‌کند و در حرمسراها جای می‌گیرد. در زمان باستان روابطی نزدیک بین فرهنگ ایران و یونان وجود داشته خصوصاً با ظهور زرتشت در ایران و افکار و عقاید زرتشتی بر روی اندیشمندان یونانی تاثیر بسزایی داشت و نویسندگان کتاب‌های خود را بر اساس گفته‌های موبدان و مغان زرتشتی می‌نوشتند و از آن الهام می‌گرفتند.

#### منابع

- آموزگار، ژاله. ۱۳۷۴. تاریخ اساطیر ایران. تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، سمت
- اشمیت، ژوئل. ۱۳۸۳. فرهنگ اساطیری یونان و رم. مترجمان شهلا برادران و خسرو شاهی. تهران: نشر فرهنگ معاصر، روزبهان
- بنونیست، امیل. ۱۳۵۰. دین ایرانی بر پایه متن‌های معتبر یونانی. ترجمه بهمن سرکاراتی. تهران: نشر بنیاد فرهنگ ایران
- پورداود ابراهیم یشت‌ها. ۱۳۷۷. تهران: نشر اساطیر
- پورداود، ابراهیم. یشت‌ها، گزارش. به کوشش دکتر بهرام فره‌وشی. چ اول: ۱۳۰۷ ش، انجمن زرتشتیان ایران و انجمن لیگ بمبئی. چ دوم: تهران ۱۳۴۷، نشر طهوری
- دولندلن، ش. ۱۳۴۷. تاریخ جهانی. ترجمه دکتر احمد بهمنش. ج اول. چاپ مروی

کوزه یا مشک آبی دارد و آب به زمین ریخته مظهر باروری و سیرابی است که در متون دینی اوستا هم نام او را آورده‌اند. از سوی دیگر از بین امشاسپندان، سه امشاسپند مونث داریم که عبارتند از: (سپندارمذ) فرشته حامی زمان، (امرداد یا امرتات Amertāt) و نیز (خرداد یا هروتات Haurvatāt) بودند که ستایش این بانوان همگی به دلیل نشان شخصیت والای زن در ادوار باستان بوده است که گاهی به فره ایزدی تبدیل گشته و مورد ستایش و تمجید ایرانیان قدیم قرار می‌گرفته است. از اساطیر یونان این گونه به نظر می‌رسد که در باور آن‌ها پیش از هر چیز و هر موجودی در هم آمیختگی عناصر یعنی «توده» (Masse) بی‌شکل ماده که در آفرینش جهان به کار می‌رود، ثبات و استواری ویژه‌ای داشت به همین دلیل خدایان اولیه یونان با زمین، شب و روز، آب و آتش و عناصر مشابه آن معرفی می‌شوند. از آن جمله: رئا یا گایا، آفریننده زمین و گاه اطلاق به خود زمین است و (اروس Eros) خدای روز و شب. مقر خدایان یونان کوه‌های اولمپ بوده است که در باور یونانیان به مرتفع‌ترین آسمان‌ها قیاس می‌شد. مقام و منزلت مادر خدایان در دوره‌های بعدی از اهمیت و اعتبارش کاسته می‌شود و به مقام بعد از ایزدان مذکر قرار می‌گیرد. این دوره با ورود فرهنگ پدر سالاری آریایی‌ها به ایران و هجوم فرهنگ اقوام هند و اروپایی به غرب ایران صورت می‌گیرد و زن کم‌کم از صحنه‌های سیاسی و اقتصادی کنار می‌رود و وظیفه‌اش فقط

- ژیوان، ف. ۱۳۷۵. فرهنگ اساطیر یونان. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. چ اول. تهران: انتشارات فکر روز
- مزداپور، کتایون. ۱۳۸۳. داغ گل سرخ و چهارده گفتار دیگر درباره اسطوره. تهران نشر اساطیر
- وارنر، رکس. ۱۳۸۶. دانشنامه اساطیر یونانی. مترجم ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: نشر اسطوره
- همیلتون، ادیت. ۱۳۷۶. سیری در اساطیر یونان و رم. ترجمه عبدالحسین شریفیان. تهران: نشر اساطیر
- هنیلز، جان راسل. ۱۳۸۳. شناخت اساطیر ایران. ترجمه و تالیف: باجلان فرخی. تهران: نشر اساطیر
- هنیلز، جان راسل. ۱۳۷۳. شناخت اساطیر ایران. رجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: نشر چشمه.



(۶دمتر)



(۵آفرودیت)



(۴آرتمیس-دیانا)



(۳هرا)



(۱گایا)



(۷پرسفون)



(۱۵اثوس)



(۱۴اهیژی)



(۱۳تئییا)



(۱۲ایلیتی)



(۱۰آستره)



(۹ایریس)



(۸هیستیا(وستا)



(۱۸فوئیبه)



(۲۰اویتومه)



(۱۱آستریا)



(۲۲امید)



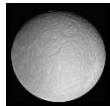
(۱۷دیونه)



(۲۳sagessایزدفرزانگی)



(۱۹فوبوس)



(۲رئا)



(۲۶تیس)



(۲۵سیرسه)



(۱۶دوریس)



(۲۴رئومه)

(تصاویرایزدبانوان ایرانی)



(۴زامیاد)



(۳اشتات)



(۱سپندآرمیتی)



(۲ اردویسوراناھید)